

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: هربرت ولز
برگردان: آمادور نویدی
۰۶ می ۲۰۲۲



هربرت ولز

درباره لنین و بلشویکها - روسیه در سایه



«من به کتاب چهارده ساله ام نگاه کرده، خاطراتم را زنده می‌کنم و لنین را با دیگر شخصیت‌هایی که تاکنون شناخته‌ام مقایسه می‌کنم. من در موقعیت‌های کلیدی متوجه شده‌ام که لنین چه شخصیت برجسته و مهمی در تاریخ است. من از تصدیق مفهوم «انسان بزرگ» در امور انسانی نفرت دارم، اما اگر قرار باشد از عظمت در میان گونه‌های خود حرف بزنیم، من باید اعتراف کنم که حداقل لنین مرد بسیار بزرگی بود.» (هربرت جی. ولز)

فهرست:

۱. درباره بلشویکها

۲. درباره لنین

هربرت جی. ولز، که در ۶ اکتوبر ۱۹۲۰، به دعوت ماکسیم گورکی به روسیه آمده بود، با لنین ملاقات نمود. وی برداشت‌هایش را در مقاله «روسیه در سایه» تعریف کرد، که ما آنرا در زیر نقل می‌کنیم.

۱. درباره بلشویک‌ها:

«... در سرتاسر روسیه، و در جامعه روس‌زبان سراسر جهان، فقط یک‌نوع از مردم موجود بود که عقاید عمومی مشترکی داشتند و بر مبنای آن کار می‌کردند، یک عقیده مشترک و یک اراده مشترک، و آن حزب کمونیست بود. در حالی که بقیه روسیه، مثل دهقانان، بی‌تفاوت بودند، یا مانند کودکان شش - هفت ساله سرسخت و خودسر بودند و یا در برابر خشونت یا ترس تسلیم شده بودند، اما کمونیست‌ها معتقد و آماده عمل بودند. آن‌ها از نظر اعدادی بخش کوچکی از جمعیت روسیه هستند، و در حال حاضر حتی یک درصد از مردم در روسیه کمونیست نیستند؛ حزب سازمان‌دهی یافته مطمئناً بیش از ۶۰۰ هزار نفر نیست و احتمالاً بیش از ۱۵۰ هزار عضو فعال ندارد. با این وجود، از آنجایی که در آن روزهای ترسناک تنها تشکیلاتی بود که به مردم تصور مشترکی از عمل، فرمول مشترک و اعتماد متقابل داد، توانست کنترل امپراتوری شکست‌خورده را به دست گرفته و حفظ کند. این تنها شکل همبستگی اداری ممکن در روسیه بوده و هست. این ماجراجویان مبهم که با حمایت قدرت‌های غربی، دنیکن، کلچاک، رانگل و امثالهم، روسیه را رنجور کرده و می‌کنند، بر روی هیچ اصل ستراتیژیک نمی‌ایستند و هیچ‌گونه امنیتی ارائه نمی‌دهند که بتواند بر اساس آن اعتماد مردم را محکم کند. در واقع، آن‌ها راهزن هستند.»



حزب کمونیست، هر چند هم که شخص بتواند از آن انتقاد کند، ایده ای را مجسم می‌کند که می‌توان بر آن ایده تکیه کرد. تا این‌جا، این چیزیست که از نظر اخلاقی بالاتر از هر چیزیست که هنوز باید بباید و در برابر آن بایستد. این (حزب) بلافاصله با اجازه دادن تصاحب کردن زمین از املاک و با برقراری صلح با المان حمایت توده‌های منفعل دهقان را تأمین نمود.

این (حزب) نظم را - پس از بسیاری تیراندازی‌های وحشتناک - در شهرهای بزرگ برگرداند. برای مدتی هرکسی که بدون اجازه سلاح حمل می‌کرد، تیرباران شد. این اقدام، ناشیانه و خونین، اما مؤثر بود. جهت حفظ قدرت، این دولت کمونیستی، کمیسیون فوق العاده ای با قدرت‌های نامحدود را سازمان‌دهی نمود، و تمام مخالفان را با ترور سرخ سرکوب کرد...

«به جز جنایات فردی، مگر با دلیل، به طور کلی به کشتار پایان داد. خون‌ریزی آن مانند قصابی‌های احمقانه رژیم دنیکن نبود، آن‌طوری که به من گفته شد، که حتی مورد تصدیق صلیب سرخ بلشویک نبود و امروز دولت بلشویکی می‌نشیند، و من بر این باورم که امنیت ایجاد شده در مسکو، مانند هر دولت در اروپاست و خیابان‌های شهرهای روسیه به همان اندازه امنیت دارند که خیابان‌ها در اروپا ایمن هستند...»

۲. دربارهٔ لنین

«... هدف اصلی من رفتن از پترزبورگ به مسکو بود که لنین را ببینم و با او حرف بزنم. من خیلی کنجکاو بودم که لنین را ببینم، و خود را مستعد بیرون انداختن و دشمنی او می دیدم، اما من با شخصیتی روبه رو شدم که کاملاً متفاوت از چیزی بود که من توقع داشتم ببینم.»

... سرانجام به لنین رسیدم و وی را پیدا کردم، شخصی کوتاه قد در میزی بزرگ در اتاقی پُر نور که به فضای مجلل نگاه می‌کرد. فکر کردم میزش ترجیحاً با پشته ای از خرت و پرت پُر شده است. من روی یک صندلی در گوشه میز نشستم، این مرد قدکوتاه - پاهایش بسختی زمین را لمس می‌کرد، درحالی‌که لبهٔ صندلی خود می نشست - چرخید تا با من حرف بزند، دست‌هایش را دور و بر روی کُنده ای از کاغذ گذاشت. او انگلیسی را خیلی خوب صحبت کرد <...> در همین حال، این امریکائی با دوربین خود شروع به کار کرد، و محجوبانه اما به طور مداوم صفحات را در معرض دید قرار می‌داد. با این حال، مصاحبهٔ بسیار جالبی بود تا این‌که دل‌خوری پیش بیاید و خیلی زود شخص مورد نظر صدای کلیک و تغییر فلم دوربین را فراموش کرد.

انتظار مبارزه با دکترین مارکسیست را داشتم، اما چیزی از این دست پیدا نکردم. به من گفته بودند که لنین برای مردم نطق می‌کند؛ ولی وی مطمئناً در این مورد چنین نکرد. <...> لنین صورتی قهوه ای و خوش مشرب دارد، که با یک لبخند زنده شاد و عادت (شاید به خاطر نقص در تمرکز) در حین مکث کردن در حرف زدن، یکی از چشمانش کمی می‌پیچد؛ او زیاد شبیه عکس‌هائی نیست که شما از او می‌بینید، برای این‌که وی یکی از آن افرادیست که تغییر حالت بیانش مهم‌تر از ویژگی‌های آن‌هاست؛ او درحالی‌که حرف می‌زند کمی هم با دست‌هایش روی پشته کاغذها با سر و دست اشاره می‌کرد، و سریع حرف می‌زد، بسیار مایل دربارهٔ موضوع، بدون هر خودنمایی یا تظاهر یا قید و شرطی، همان‌گونه که یک نوع انسان علمی خوب صحبت می‌کند.

... لنین، از سوی دیگر، که گاهی اوقات باید با رک گوئی اش پیروان خود را مات و مبهوت کرده باشد، آخرین تظاهر را که انقلاب روسیه چیزی فراتر از آغاز عصر تجربهٔ بی پایان است، آشکار ساخت. او اخیراً نوشته است: «آن کسانی که در وظیفهٔ سهمگین غلبه بر سرمایه داری درگیر هستند، باید آماده باشند تا اصول مهارت بعد از اصول مهارت را آزمایش کنند تا زمانی‌که بهترین پاسخ را برای هدفشان پیدا کنند.»



... لنین، که مانند یک مارکسیست ارتدوکس، تمام (سوسیالیست‌های) «تخیلی» را تقبیح می‌کند، حداقل به یک اتوپی تسلیم شده است، اتوپیای الکتریفیکاسیون - برق‌رسانی سراسری. او تمام تلاش خود را روی طرح توسعهٔ نیروگاه‌های بزرگ در روسیه متمرکز کرد تا کل استان‌های کشور را به نور برق، حمل و نقل برقی و قدرت صنعتی مجهز سازد.

او گفت که دو منطقه آزمایشی قبلاً برق‌رسانی شده اند. آیا کسی می‌تواند پروژه های شجاعانه تری را در یک زمین مسطح وسیع از مراتع و دهقانان بی‌سواد، بدون قدرت آب، بدون مهارت فنی قابل دسترس، و تجارت و صنعت در آخرین نفس تصور کند؟

پروژه ها جهت چنین برق‌رسانی در هالند در مسیر توسعه هستند و در انگلستان مورد بحث قرار گرفته اند و در آن مراکز پرجمعیت و صنعتی بسیار توسعه یافته، شخص می‌تواند آن‌ها را موفقیت آمیز، اقتصادی و در مجموع مفید تصور کند، اما اجرای آن‌ها در روسیه درگُل بر تخیل سازنده، فشار بیش‌تری وارد می‌سازد. من نمی‌توانم ببینم چیزی از این نوع را در کریستال تاریک روسیه اتفاق بیفتد، اما این مرد کوتاه قد در کرملین می‌تواند؛ او می‌بیند که راه آهن های پوسیده را با یک حمل و نقل برقی جدید جایگزین کند، می‌بیند که جاده های جدیدی در سرتاسر زمین گسترش یابد، می‌بیند که صنعت‌گرایی کمونیستی جدید و شادتری دوباره به وجود آید. درحالی‌که من با وی حرف می‌زدم، او تقریباً مرا قانع کرد که با دیدگاه‌هایش شریک شوم.

لنین از من پرسید که من از کار آموزشی در حال اجرا چه دیده ام. من از برخی چیزهایی که دیده بودم، تحسین کردم. او سر تکان داد و با خوش‌حالی لبخند زد. لنین در کار خود از یک اعتماد تزلزل ناپذیر برخوردار است.

من گفتم: «اما این‌ها فقط طرح های اولیه و آغازین هستند.»

لنین پاسخ داد: «ده سال دیگر برگرد و ببین که ما در روسیه چه کرده ایم.»

در او متوجه شدم که کمونیسم به هر حال، علی‌رغم مارکس، می‌تواند فوق العاده خلاق باشد. بعد از آن‌که با فناتیک‌های خسته کننده جنگ طبقاتی که من در بین کمونیست‌ها، آدم‌های فرمولی بی‌فایده همچون سنگ خارا مواجه شده بودم، پس از تجربیات متعددی که از خودشیفتگی پوچ و تعلیم دیده مریدان مارکسیست رایج دیده بودم، دیدن این مرد کوتاه قد شگفت انگیز، با تصدیق صریح به بزرگی و پیچیدگی پروژه کمونیسم و تمرکز ساده اش در تحقق آن، برایم خیلی خوشایند بود. لنین حداقل از جهانی دید دارد که تغییر یافته و از نو برنامه ریزی و ساخته شده است.

ولز که برای دومین بار در سال ۱۹۴۳ به اتحاد جماهیر شوروی برگشت، متقاعد شد که طرح برق‌رسانی سرتاسری لنین تحقق یافته است. کیلومترهای زیادی از راه آهن بازسازی، ساخته، و برقی شده بودند.

ولز در آخرین دیدارش از روسیه، در "آزمون در زندگی‌نامه" خود نوشت:

«من به کتاب چهارده ساله ام نگاه کرده، خاطراتم را زنده می‌کنم و لنین را با دیگر شخصیت‌هایی که تاکنون شناخته‌ام مقایسه می‌کنم. من در موقعیت‌های کلیدی متوجه شده ام که لنین چه شخصیت برجسته و مهمی در تاریخ است. من از تصدیق مفهوم «انسان بزرگ» در امور انسانی نفرت دارم، اما اگر قرار باشد از عظمت در میان گونه‌های خود حرف بزنیم، من باید اعتراف کنم که حداقل لنین مرد بسیار بزرگی بود.»

درباره نویسنده:

هربرت جورج ولز (به انگلیسی: Herbert George Wells) (زاده ۲۱ سپتامبر ۱۸۶۶ - درگذشت ۱۳ اگست ۱۹۴۶) روزنامه‌نگار، جامعه‌شناس، تاریخ‌نگار سوسیالیست اهل انگلستان و نویسنده رمان و داستان کوتاه است. او به خاطر خلق رمان‌های علمی-تخیلی شناخته شده است و اغلب از او با عنوان «پدر علمی-تخیلی» یاد می‌شود.^[۱] از آثار علمی تخیلی او می‌توان به مرد نامرئی، ماشین زمان، جزیره دکتر موریو و جنگ دنیاها اشاره کرد. اثر تاریخی هربرت جورج ولز در ایران با نام «کلیات تاریخ» انتشار یافته است.

<https://fa.wikipedia.org/wiki/>

برگردانده شده از:

Wells on Lenin and Bolsheviks

Russia in the Shadows

<https://us.politsturm.com/wells-on-lenin-and-bolsheviks/#gallery-1>

سایت پُلِیت استروم امریکا. کام